

## دلایل ناکامی برجام پرده برداشت؛

# استفادهٔ اقتصادی نبردیم

## ❖ بیرون آمدن من از اتاق ایران بسیار سخت بود

این تاریکخانه و گرفتاری‌ها و محدودیت‌ها بیرون بیاورد، آن‌ها هم باور داشتند ایران موقعیت کاری دارد. ما سه شرط را با هر هیاتی که ملاقات داشتیم می‌گذاشتیم: اول اینکه ایران خریدار صرف نیست و می‌خواهد خود را به تکنولوژی مجهز کند و هم‌زمان با خرید، می‌خواهد دانش فنی را نیز داشته باشد، دوم اینکه ایران تقاضای سرمایه‌گذاری مشترک دارد و سوم اینکه ایران تنها ۸۰ میلیون نفر نیست و می‌خواهد ۴۰۰ میلیون نفر را تغذیه کند. می‌گفتیم تنها کشوری در منطقه هستیم که نگران سلفی‌گری و داعش و گرفتاری‌های قومی و مذهبی نیستیم و پائبات‌ترین حکومت منطقه هستیم. با این شعارها با هیات‌ها ملاقات کردیم و همه جا با اقتدار صحبت می‌کردیم و هر گزگ حاضر نبودیم مذاکرهٔ خرید و فروش و مصرف‌گرایی داشته باشیم. یادم هست که آقای شولتز که از اتحادیه اروپا به ایران آمد، از فرودگاه تقاضا کرد اولین ملاقات را می‌خواهم در اتاق داشته باشم. گفته بودند چنین برنامه‌ای ندارم، گفته بود که اگر اتاق نرویم، بقیهٔ ملاقات‌ها را هم انجام نمی‌دهم. به اتاق که آمد؛ گفت که آمدهام اینجا تا بگویم به واسطهٔ بخش خصوصی و اتاق داریم به ایران می‌آییم.

### ❖ با آمریکایی‌ها هم ملاقاتی داشتید؟

نه. با آمریکایی‌ها هیچ ملاقاتی نداشتیم، هیچ صحبتی نشد، هیچ هیاتی از آمریکا نیامد و هیچ هیاتی به آمریکا نرفت. قرار بود در سفر مهرماه ۹۴ رئیس‌جمهور به سازمان ملل، هیاتی از ایران که از اتاق هم در آن حضور دارند باشند اما سازمان‌های نظارتی و حتی وزارت امور خارجه تشخیص دادند صلاح ایران نیست یا جلو بگذارد و اگر قرار باشد ارتباطی با آمریکا برقرار شود، ابتدا باید سیاستیون این ارتباط را برقرار کنند و بعد اقتصادیون ورود کنند. یک هفته قبل از آن سفر، برنامه‌های سفر هیات اقتصادی لغو شد و هیچ ملاقات و جلسه‌ای با آمریکایی‌ها نداشتیم اما همهٔ اروپایی‌ها می‌گفتند ادامهٔ انجام کار ما با شما و سرمایه‌گذاری مشترک و پایدار مستلزم این است که ارتباط بین‌المللی وسیع‌تر از اتحادیهٔ اروپا داشته باشید و تلویحا می‌گفتند که با آمریکا و دیگر کشورها هم ارتباط برقرار کنید. این پیام را به مسئولان وقت اطلاع می‌دادم. هیات‌ها هم پنج، شش درخواست اصلی داشتند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، ارتباط بین‌المللی ما و نگرانی از تحریم دوباره بود. می‌گفتند که اگر دوباره تحریم برقرار شود، این آخرین باری است که ما به شما اعتماد می‌کنیم و به ایران می‌آییم. نگرانی بعدی که خیلی جدی بود این بود که می‌گفتند قانون سرمایه‌گذاری مشخصی ندارید و معلوم نیست در کدام‌یک از صنایع و بخش‌های اقتصادی می‌خواهید سرمایه‌گذاری کنید.

۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا، حداکثر ۱۰ آیتم را برای سرمایه‌گذاری معرفی کرده‌اند اما شما از سوزن خیاطی تا هواپیماسازی را در برنامه دارید. نگرانی سوم این بود که تا چه میزان به سرمایه‌گذار خارجی اجازهٔ سرمایه‌گذاری می‌دهید؟ مثلا اگر در دارو کسی خواست سرمایه‌گذاری کند، می‌تواند ۱۰۰ درصد سرمایه‌گذاری کند یا باید ۵۰ درصد باشد؟ ما چیزی که می‌گفتیم این بود که به دنبال تدوین این برنامه هستیم و چون ۲۰ سال تحت تحریم بودیم، آمادگی جدی نداریم. در حالی که قبل از این، بارها به عزیزان دولتی و مجموعهٔ سرمایه‌گذاری وزارت اقتصاد عرض کرده بودم که باید بسته‌ای مدون داشته باشیم؛ منتها چندان فرصتی برای تهیهٔ این بسته نداشتیم. من یک ماه بیش‌تر نبود که رئیس اتاق شده بودم و آن‌ها هم بستهٔ آماده‌ای نداشتند. وقتی هیات‌ها با ما به بخش خصوصی هم مشکلاتی داشتیم از جمله اینکه نه فقط زبان بلکه حتی یک کارت ویزیت بین‌المللی نداشتند و می‌خواستند کارت به زبان فارسی بدهند یا به زبان فارسی صحبت کنند و حتی یک مترجم هم همراه نداشتند. چون سال‌ها در تحریم بودیم گرفتار این مشکلات می‌شدیم اما همه را رفع و رجوع و مدیریت می‌کردیم. در آن دوران، در اتاق ایران، بیش از ۵۰ مترجم به ۱۰ زبان دنیا داشتیم. کارهای بزرگی شد و همه به این امید بود که این ارتباط برقرار شود. بنابراین، پذیرش مسئولیت در اتاق ایران از این جهت بود که بتوانیم از دوران اصلی و شکوفایی می‌بهترین زمان و زمان طلایی برجام که به آن مامعسل برجام می‌گفتیم استفاده کنیم تا بخش خصوصی کشور را به بخش خصوصی دنیا متصل کنیم و کاری هم به دولت‌ها نداشتیم و همهٔ حرف‌مان این بود که شرکت‌های ما باید با شرکت‌های اروپایی و آسیایی ارتباط داشته باشند. از ۱۴ سفری که رفتم، شش سفر به منطقهٔ آسیا بود. این نبود که فقط نگاه‌مان به غرب باشد بلکه می‌گفتیم اقتصاد ایران باید از این فضای بسته و محدود و گلخانه‌ای به فضایی باز برود و با همهٔ دنیا ارتباط

# روایت

سهم هدفمندی یارانه‌ها را ببخشیم؟ چه حقی داشتی گفتی پول از دولت نمی‌خواهیم؟ تو نمایندهٔ بخش خصوصی هستی که سال‌هاست دنبال آن است سهمی از یارانه‌ها بگیرد. من هم خود را نمایندهٔ بخش خصوصی واقعی می‌دیدم نه کسانی که به دنبال امکانات رانتی هستند. آن زمان، همهٔ تلاش ما در اتاق و همهٔ رفت‌وآمدها باید به این منتج می‌شد که تحریم‌ناپذیر شویم و به اینجا برسیم که اگر بخواهند ما را تحریم کنند، خودشان بیش‌تر ضرر کنند. امروز آیا کسی می‌تواند کره یا مالزی یا سنگاپور را تحریم کند؟ بلافاصله شرکت‌های بزرگ می‌گویند شرکت‌های ما در این کشورها متضرر می‌شوند. نه تحریم، بلکه اگر جنگی اتفاق بیفتد، همهٔ شرکت‌ها شعبه دارند و می‌گویند این کشورها را ناامن نکنید. ما امروز چه داریم؟ چه کسی هست در دنیا که از ما دفاع کند؟ هر اتفاقی در اقتصاد ایران بیفتد، کدام کشور متضرر می‌شود؟

### ❖ واکنش آقای روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور به این اتفاقات چه بود؟ به هر حال، شما گزارش این کارشکنی‌ها و مانع تراشی‌ها را می‌دادید. تعامل ایشان چطور بود؟

خیلی خوب بود. من به‌عنوان رئیس اتاق ایران، با دکتر روحانی، آقایان نه‌اوندیان، زنگنه وزیر نفت، حجتی وزیر جهادکشاورزی و ربیعی وزیر کار همیشه ملاقات داشتم. برخی وزرا می‌گفتند تو یک نفری، در همهٔ جلسات هستی ولی ما فقط در برخی جلسات هستیم. واقعا هم این‌طور بود و گاهی می‌شد که پنج روز هفته، تعدادی از وزرا را می‌دیدم. شاید تنها رئیس اتاقی بودم که در دورهٔ مجلس جدید، پنج بار پشت تریبون مجلس، مستقیما سخنرانی کردم، چرا که آقای لاریجانی رئیس وقت مجلس اجازه داده بودند مسائل اقتصادی از سوی اتاق مطرح شود. پیش از آن، فقط یک‌بار و در زمان تصویب قانون بهبود فضای کسب‌وکار از آقای نه‌اوندیان دعوت شده بود تا در مجلس از این قانون دفاع کنند. قبل و بعد از آن، تا زمان ریاست بنده، این اتفاق نیفتاده بود اما از خردادماه ۹۵ که مجلس جدید تشکیل شده بود تا مردادماه، بنده پنج بار، به‌عنوان نمایندهٔ بخش خصوصی از پشت تریبون مجلس از مشکلات و مسائل گفتم. در آن دوران، خیلی فعالیت می‌کردیم. شبانه‌روزی ۱۸ ساعت مشغول بودیم و وضعیت طوری شده بود که یک رانندهٔ دیگر کشتش کارهای من را نداشت، یک رئیس دفتر دیگر کشتش کارهایم را نداشت. باور کنید ۱۸ ساعت وقت می‌گذاشتیم. آقای روحانی و وزرا هم گلابه‌مند بودند که چرا این اتفاقات دارد رخ می‌دهد؟ چرا این امکان (برجام) که می‌تواند استفادهٔ حداکثری برای ترمیم اقتصاد کشور داشته باشد به بیراهه می‌رود؟ از هزینه‌ای که شد و اتفاقی که افتاد ما بهره‌ای نبردیم. به بُعد سیاسی برجام کاری ندارم و به اینکه خوب بود یا بد بود و باید امضا می‌شد یا نه هم کاری ندارم. اما به‌عنوان یک فرد اقتصادی و مسئول وقت اتاق عرضم این بود که هر هزینه‌ای داده شده، درست یا نادرست، به هر حال برجام اتفاق افتاده و ما باید از آن استفاده کنیم. تمام کاری که من و هیات نمایندگان و هیات رئیسه و فعالان اقتصادی و پرسنل اتاق انجام دادیم این بود که از برجام حداکثر استفاده را در بخش خصوصی و در اقتصاد ایران ببریم و این هم شدنی بود.

### ❖ آن زمان، عده‌ای، از پروژهٔ نفوذ حرف زدند. این یعنی چه؟

تعدادی از کسانی که به عنوان سرمایه‌گذار آمدند زیر ذره‌بین رفتند و می‌گفتند که این‌ها جاسوس هستند و به‌عنوان فعال اقتصادی آمده‌اند اطلاعات جمع‌آوری کنند. البته در دنیا این اتفاق می‌افتد و من هم منکر آن نبودم ولی نمی‌شد همهٔ جریان را فدای این نگرانی کرد. همواره به سازمان‌های نظارتی می‌گفتم که در لحظه‌لحظهٔ سفرها و جلسات هیات‌ها حضور داشته باشید و ضعف‌ها را بگویید، ما هم اگر چیزی به نظرم‌ان آمد می‌گوییم ولی اصل قضیه را نمی‌شود از بین برد به این دلیل که ممکن است یک درصد نفوذ اتفاق بیفتد. مگر در دورهٔ غیربرجام نفوذ رخ نمی‌دهد؟ مگر امروز در سخت‌ترین دورهٔ جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی، نفوذ بیش از آن دوره نیست؟ مگر دانشمندان هسته‌ای ما را ترور نمی‌کنند؟ نفوذ همیشه هست و فرقی نمی‌کند برجام هست یا نیست. نیاز به نظارت کافی و عالی است که نظارت‌گر باید انجام دهد ولی اینکه همهٔ فعالیت‌های اقتصادی به این دید نگاه شود، درست نیست. من خودم اطلاع می‌دام که فلان هیات دارد می‌آید و کاملا با سازمان‌های نظارتی همکاری می‌کردیم و هیچ اختلافی بین ما و سازمان‌های نظارتی نبود. اما اتفاقی که می‌افتاد در خیابان بود. از دیوار سفارت بالا می‌رفتند، تظاهرات بی‌مورد در حضور افراد می‌کردند، به کسی انگ جاسوسی می‌زدند و این

رفتارها باعث شد که عملا نتیجه‌ای نگرفتیم و آن همه زمانی که صرف شد و آن همه رفت‌وآمد در جریان برجام، نتوانست ما را به نتیجه‌ای مطلوب برساند. اگر برجام نمرهٔ پنج یا ۹۵ یا ۱۰۰ گرفت، هیچ استفادهٔ اقتصادی از آن نشد. حتی قراردادهایی که در برخی کشورها تنظیم کردیم، بعد از این جریان‌ات، عملا باطل شد؛ از جمله خرید هواپیما و برخی خریدها در زمینهٔ دریایی و یا خریدهای بخش خصوصی برای فولاد و سیمان به دلیل برگشت از برجام و بعد از آن، خروج آمریکا از برجام همه به بیراهه رفت. آن زمان هدف ما و حضور ما و وقت‌گذاری و جان‌گذاری ما که منجر به صدمات سلامتی و جانی و مالی، هم به من و خیلی از افراد دیگر شد، این بود که پس از حدود ۲۰ سال، در نقطهٔ عطف اتصال به اقتصاد بین‌المللی بودیم و می‌خواستیم از این فرصت به نفع اقتصاد کشور بهره ببریم که متاسفانه شرایط مهیا نشد و افسوس آن برای ما ماند و کشور هم بهره‌ای نبرد.

### ❖ آن زمان تصاویری آمد که نشان می‌داد بیمار شدید و روی ویلچر نشسته بودید. تهدیدتان کرده بودند؟

هرگز. بیرون آمدن من از اتاق ایران بسیار سخت بود چون نه هیچ نهاد نظارتی و ارگان و سازمانی و نه دولت و مجلس اصلا اجازهٔ این را نمی‌دادند که از اتاق استعفا کنم و اصرار بر ماندنم داشتند.

### ❖ پس لابد خودتان یک هراس و یک احساس بی‌فایده بودن و خسته شدن پیدا کرده بودید.

این احساس بود. نوروز سال ۹۵ خیلی با خودم کلنجار رفتم که از ۲۲ خردادماه تا اسفندماه ۹۴ که روزی تقریبا ۱۸ ساعت، ۲۰ ساعت و حتی گاهی باور کنید ۲۴ ساعت کار می‌کردم و گاهی پیش می‌آمد که سفر پشت سفر می‌آمد و در یکی از سفرها در حداکثر پنج روز، پنج کشور اروپایی را رفتم. با خودم کلنجار می‌رفتم که این حجم از وقت گذاشتن و رفت‌وآمد چه نتیجه‌ای داشت؟ ما مرتب مسیر باز می‌کردیم اما بسته می‌شد، راه پیدا می‌کردیم و متاسفانه به نتیجه نمی‌رسید. من معتقدم که مهم‌ترین داشتهٔ انسان، عمر است. باید آن را جایی صرف کند که نتیجه‌ای برای کشور و مردم و خود فرد داشته باشد. اولین روزی که به‌عنوان رئیس اتاق ایران صحبت کردم، گفتم این مسئولیت برایم امانت است و زمانی که احساس کنم توان این امانت را ندارم و شرایط جسمی و روحی‌ام اجازه نمی‌دهد و یا کارهای نمی‌تواند نتیجه‌ای داشته باشد به خودتان واگذار می‌کنم. در آرشپو اتاق می‌توانید اولین سخنران‌ام را ببینید. به ریاست اتاق چه در کرمان و چه تهران به‌عنوان امانت نگاه می‌کردم و روزی که احساس کردم این امانت نتیجه‌ای ندارد و من هم دیگر توان انجام آن را ندارم، از موقعیت پیش‌آمده حداکثر بهره‌برداری را کردم تا به کسی دیگر سپارم. در تیرماه ۹۵ به این نتیجه رسیدم بودم که امکان آن فعالیتی که قرار است در جریان برجام و برای پیوند اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی و بهتر کردن فضای کسب‌وکار و تحریم‌ناپذیر کردن یحدا حلقل سخت شدن تحریم ایران مفید باشد، وجود ندارد و احساس کردم نه دیگر امکانات خوبی هستند و نه شرایط جسمی‌ام اجازهٔ ادامه دادن می‌دهد. استعفا کردم و یک هفتهٔ کامل، همهٔ ارتباطاتم را قطع کردم. از اتاق ایران نتوانستم استعفا بدهم و نپذیرفتند. راهی که پیدا کردم این بود که باید پایهٔ آن را که عضویت در هیات نمایندگان اتاق کرمان بود را قطع کنم. بدون اینکه اتاق ایران متوجه شود، از هیات نمایندگان اتاق کرمان استعفا کردم. اینکه دوستان در کرمان استعفایم را پذیرفتند باعث شد بسیار مورد مواخذهٔ برخی مسئولان قرار بگیرند و شرمندگی و خجالت این کار برایم ماند که اتاق کرمان این همراهی را با من کردند. رفتمم اختیاری بود و اصرار بسیاری زیادی بر ماندنم بود و اینکه راهی برای خروج از مسئولیت پیدا کنم، بزرگ‌ترین معضل من در آن زمان بود.

### ❖ خیلی داستان عجیبی است. بیش از یک سال در اتاق ایران بودید و بسیار زحمت کشیدید. نقطهٔ طلایی اقتصاد ایران بود اما برخی روزنامه‌ها دستاورد اقتصادی آن را هیچ اعلام کردند.

خود من هم گفتم که نتوانستیم از آن فرصت استفاده کنیم. اگر هدفی که داشتیم و کارهایی که انجام دادیم به نتیجه می‌رسید، خیلی دستاورد خوبی بود اما عملا طوری شد که یک سال و نیم بعد از خروج من از اتاق ایران، آمریکا از برجام خارج شد، تعهدات کشورها لغو شد و هیچ‌کس هم پشتیبانی نکرد. نه‌تنها شرایط بهتر نشد بلکه بدتر از زمانی شد که هنوز برجام امضا نشده بود. چون قبل از برجام، این امیدواری بود که ممکن است توافقی حاصل شود و شرکت‌ها بیایند اما امروز اگر توافقی هم ایجاد شود، اعتماد نمی‌کنند و نمی‌آیند.

### ❖ چه کسانی از این وضعیت نفع می‌برند؟

من از این‌باره به باوری رسیده‌ام؛ ببینید، همین امروز، بسیاری از تصمیماتی که گرفته می‌شود، نه‌تنها کمکی نمی‌کند و تحریم‌ها را کم‌تر نمی‌کند و فضا را بهتر نمی‌کند، بلکه به فضای بسته‌تر و گلخانه‌ای‌تر کردن و حتی تحریم‌های بیش‌تر دامن می‌زند. من معتقدم در مقطعی، جمهوری اسلامی به دلیل اینکه تجربه‌ای نداشت، تصور می‌کرد مسائل کشور دو مجهولی است. مجموعه‌هایی را وارد اقتصاد کشور کرد اعم از شرکت‌های دولتی، شرکت‌های نظامی و از مجموعه‌های نظارتی. این‌ها وارد اقتصاد شدند تا کمبودهای کشور به ویژه پس از جنگ را رفع کنند.